

الگوهای گسترش کالبدی شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران

* شهرام یوسفی فر
پژوهشگاه علوم انسانی

چکیده

مطالعه الگوهای رشد کالبد و فضاهای شهری در دوره سده‌های میانه و تحلیل ارتباط آن تحولات با تغییرات اجتماعی - اقتصادی که در شهرها رخ می‌داد، امکان بازشناسی و تبیین نقش نیروهای اجتماعی در زندگی شهری و نیز فرایند بروز تغییر در شکل شهرها را فراهم می‌آورد. بر این اساس، رشد و گسترش شکل شهر به مانند انوکاسی از مراحل اکتشاف و تغییرات اجتماعی درون شهرها محسوب می‌شود. در مطالعه حاضر، موضوع علل بروز تغییرات در الگوی کالبدی و شکلی شهر ایرانی موردن بررسی قرار گرفته، این تغییرات با عنایت به دو دسته عوامل بیرونی (حکومت، اراده نخبگان سیاسی - اداری شهری ...) و عوامل درونی (رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی شهری) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مسئله پژوهش گفتار حاضر چنین است: تحولات و تغییراتی که در مناسبات شهری ایران روی می‌داد؛ تا چه میزان از تغییر شرایط درونی، یعنی ناشی از رشد و تکامل مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهری؛ و تا چه میزان از شرایط و عوامل تأثیرگذار بیرونی، که بر زندگی اجتماعی - اقتصادی شهری مؤثر بودند، تأثیر می‌پذیرفت؟

کلیدواژه‌ها: تاریخ ایران، قرون میانه، شهرنشینی، شکل شهر، محله، ریض، بازار، کهن دز، فضای شهری، کالبد شهری، موقعات شهری.

The Spreading Patterns of Iranian Towns in Middle Ages

Shahram Yousefi Far, Ph.D.
Assistant Professor, Department of History
Research Centre in Human Sciences

Abstract

Studying the paradigms of growing city spaces and shapes during the middle ages and analyzing the relation of that with socio-economic changes which occurred in cities make it possible to recognize the role of social forces in civil life and also the process of changing in town forms. According to this, expanding the form of city is like a reflection of social changes of inner cities. In this article, the reasons of changes in the shape of Iranian city is surveyed and these changes will be studied by attending to inner and outer factors. The question is: How much would the changes which happened in city relations of Iran be affected by changing of inner conditions and growing of city socio-economic relation and how much would be affected by outer reasons and condition that influence socio-economic city life?

Keywords: Saljuqid, urbanism, city space, middle ages, town forms; socio-economic history.

مقدمه

بدون تردید برای مطالعه ابعاد مختلف زندگی سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر شهر، به انبوهی از اطلاعات و داده‌های گوناگون نیاز داریم که با انکا به آن مستندات، تحلیل و ارزیابی درخوری از مناسبات شهری ادوار گوناگون تاریخ ایران را بهدست داد. مرور اجمالی عنوانین کتاب‌هایی که در مورد تاریخ شهرهای ایران به نگارش درآمده‌اند، چنین می‌نمایاند که محققان علاقه‌مند به مطالعه تاریخ شهر در ایران، با منابع غنی و اطلاعات وافر در این خصوص روبه‌رو هستند. در حالی که وارسی داده‌های موجود در کتاب‌های مورد نظر حکایت از آن دارد که اطلاعات موجود در تواریخ شهری، متأثر از رویکرد و علایق مؤلفان این گونه کتب، بر آن بوده‌اند که در باب موضوعاتی چون شرح حال معاریف دینی و سیاسی، مقابر اولیا و مشایخ، ذکر بناهای مهم و نظایر این‌ها اطلاعاتی را جمع‌آوری و مدون نمایند. در حالی که برای مطالعه و تحقیق در مورد ابعاد گوناگون زندگی شهرهای تاریخی ایران، از جمله سیر تحولات کالبدی و فضاهای مختلف آن، تغییرات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی شهر نظایر این موضوعات مهم، نیازمند داده‌ها و اطلاعات وسیع و متفاوت با آن چه در کتب معروف تاریخ شهرها وجود دارد، هستیم.

با آن که کاوش‌های باستان‌شناسان و تحقیقات صاحب‌نظران رشتۀ معماری و شهرسازی برخی اطلاعات مهم و ارزشمند در باب ویژگی فضا و کالبد شهرهای گذشته در اختیار علاقه‌مند می‌گذارد، اما فهم و تحلیل مناسبات شهری در ادوار تاریخی نیازمند آن است که گستره مختلف و متنوعی از داده‌ها و اطلاعات در اختیار باشد، تا مبنای تحقیقات پایه‌ای و محکم در خصوص شهرهای تاریخی ایران قرار گیرند.

بدون تردید لازم است برای فراهم آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش‌های دقیق درمورد زندگی تاریخی شهرهای ایران، از روش‌های کارامد و مطمئنی که برای مطالعه زوایای مختلف زندگی شهری تعریف شده و به کار گرفته می‌شود، بهره‌برداری کرد. کاربست چنین رویکردی سبب می‌گردد اطلاعات موجود در منابع تاریخ شهرها و سایر منابع تاریخی، قابلیت تفسیر و تأویل موضوعی پیدا نموده گونه‌های جدیدی از استنباط‌های تاریخی در اختیار محققان قرار گیرد. در گفتار حاضر، با تکیه بر روش مطالعه «ریخت شهر»، برخی ملاحظات دربار اشکال مختلف رشد کالبد و فضای شهری در سده‌های میانه و ارتباط آن تحولات با تغییرات اجتماعی - اقتصادی شهرها، مطرح می‌گردد.

روش مطالعه ریخت (morph) شهر به مانند روشی کارامد در تحلیل و ارزیابی فضاهای شهری و فهم مناسبات اقتصادی - اجتماعی مسلط در ادوار مختلف جامعه شهری در نظر گرفته می‌شود. کاربست این روش، به ویژه برای مطالعه تاریخی آن دسته از شهرهایی که اطلاعات و گزارش‌های اندکی درباره مناسبات اجتماعی آن‌ها در اختیار است، سودهای بسیاری در بردارد. از طریق مطالعه ریخت شهر، بررسی عمیق‌تر موضوع‌های مختلف امکان‌پذیر می‌گردد؛ زیرا مطالعه و تحلیل عناصر کالبدی ویژه و اصلی که در ریخت یک شهر وجود داشته یا دارد، امکان بازناسی و تبیین نقش نیروهای اجتماعی در زندگی شهری و بروز تغییر در شکل شهرها را فراهم می‌نماید؛ که براساس آن شناسایی و تبیین گرایش‌های اجتماعی - اقتصادی که در ایجاد تحول در جامعه شهری مؤثر واقع می‌شوند، امکان‌پذیر می‌گردد. در این زمینه، شهر از منظر روند سامان‌بایی شکلی، در سه دوره مطالعه می‌شود: «تکوین تاریخی شهر؛ الگویابی و شکل‌گیری کالبدی (دوره شکل‌گیری خیابان‌ها، راه‌ها و ظهور استخوان‌بندی شهر)؛ پیکربندی (ظاهر شدن مشخصات ریخت‌شناسانه شهر، روش شدن رابطه بین کارکرد با ریخت‌شناسی شهر)» (ر.ک: شکوهی ۱۳۸۰: ۲۶۴)، مطالعه تکوین تاریخی شهر روند گسترش و تغییر شکل شهرها را که براساس عوامل درونی یا بیرونی رخ می‌داد، نشان می‌داد؛ زیرا رشد و گسترش شکل شهر چون از یک سو به مانند انعکاسی از مراحل اکتشاف و تغییرات اجتماعی درون شهرها محسوب شده و از سوی دیگر، تحت تأثیر دخالت عوامل بیرونی قرار دارد. مطالعه این موضوع امکان فهم و بررسی شرایط استمرار کارکردهای متفاوت شهر و شیوه سازگار شدن آن‌ها با شرایط جدید، افزایش کارکردهای تازه بر کارکردهای قبلی یا فروگذاری برخی کارکردها، در نزد شهرها را عملی می‌سازد. به همین ترتیب از طریق مطالعه تغییرات بافت و کالبد شهر می‌توان ادوار تاریخی رشد و توسعه شهر یا انحطاط و ضعف آن را تشخیص داد و براساس یافته‌های آن در مورد عوامل دست‌اندرکار توسعه و تکامل شهرها یا عوامل مؤثر در انحطاط وضعیت شهری در ایران را شناسایی کرد، به تحلیل و ارزیابی آن‌ها پرداخت.

در پژوهش حاضر، ابتدا برخی از زوایای تحولات رخ داده در شکل شهرهای ایران در سده‌های میانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه ارزیابی از نقش عوامل بیرونی و درونی مؤثر در ایجاد تغییرات اجتماعی و شکلی در شهر سده‌های میانه به دست داده خواهد شد. به نظر می‌رسد نتایج این بحث افزون بر آن که زمینه‌های ضروری برای فهم مناسبات

شهرنشینی در سده‌های میانه را تعمیق می‌بخشد، میزان کارایی روش‌های معمول در بررسی و ارزیابی مناسبات شهرنشینی در مورد شهرهای کهن ایران را نیز در معرض آزمون جدی قرار می‌دهد.

ملاحظات آغازین

در پژوهش حاضر مسأله مورد نظر به این شرح مطرح شده است که تحولات و تغییراتی که در مناسبات شهری ایران روى می‌داد، تا چه میزان از تغییر شرایط درونی، یعنی ناشی از رشد و تکامل مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهری، بود و تا چه میزان از شرایط و عوامل تأثیرگذار بیرونی، که بر زندگی اجتماعی - اقتصادی شهری اثرگذار بودند، تأثیر می‌پذیرفت؟ براساس چنین رویکردی به موضوع، می‌توان پرسید که: مهم‌ترین علت‌های بروز تغییرات در کالبد شهر قرون میانه چه بودند؟ آیا بروز تحول در شکل شهر را می‌توان به معنای وقوع تحول در مناسبات جامعه شهری دانست؟ برای آن که این مسأله مورد پژوهش قرار گیرد، ضمن بررسی عوامل مؤثر در رشد و گسترش شکل شهرهای ایران در سده‌های میانه، الگوهای مختلفی را که در این روند وجود داشتند، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهیم.

الف - بنیان‌گذاری محله

مفهوم محله و ویژگی‌های تاریخی و سازمانی آن در شهرهای ایران، موضوع بحث مستقل و گستره‌های است که تاکنون از منظر تاریخ شهری به آن پرداخته نشده است (بررسی برخی خطوط کلی این موضوع، در: ضیاء‌توان: ۱۳۷۰: ۱۷۳ - ۱۹۹).

وقوع تحولات سیاسی - اجتماعی یا شتاب گرفتن روند رشد مناسبات اجتماعی - اقتصادی در شهرها سبب می‌گردید بر شمار نفوس شهر، یا حجم فعالیتها افزوده گردد که خود این امر نیاز به فضاهای کالبدی، و زیستی جدید، یا بروز تغییرات در درون کالبد شهر را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. در این موقع، به دلیل موانعی که در برابر ایجاد تغییر در بافت کالبدی شهر (از جمله وجود بناهای وقفی یا موانع حقوقی ناشی از مالکیت مستغلات و نظایر این‌ها، ر.ک: مومنی: ۱۳۷۷)، وجود داشت، یکی از رویه‌های معمول برای حل و فصل چنین مشکلاتی از روش بنیان‌گذاری محله یا محله‌های جدید در منطقه‌ای که در خارج از فضای کالبدی شهر قرار داشت، استفاده می‌شد. سیر برپاسازی محله‌های جدید گاه بنا به اراده

دست‌اندرکاران اجرای برنامه‌های عمران شهری و تابع یک الگوی اندیشیده شده شهری متحقق می‌گردید، یا به صورت روالی خود به خودی و طبیعی منجر به ظهور محله‌ای جدید می‌شد. با عنایت به این که رویه مورد بحث یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین الگوهای گسترش شکلی - کالبدی شهرها به‌شمار می‌رفت، می‌توان از طریق مطالعه و بازناسی نقش عوامل مؤثر در این روند، وضعیت نیروها و جریان‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مؤثر در ایجاد تغییرات شکلی در شهرهای سده‌های میانه را مطالعه نمود. در ادامه، ضمن بررسی روال‌ها و تجربیات مختلف پیدایش محله / محله‌ها در شهرهای ایران، عوامل درونی و بیرونی مؤثر در این روند را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱- موقع جریان تغییرات و تحولات شدید سیاسی که گاه توأم با بروز تغییر در قشر حاکم شهرها بود (به منزله پیامد تغییر حکومت یا سلطه اقوام خارجی بر کشور)، به مانند عاملی مهم در روند پایه‌گذاری محله (یا محله‌ای) جدید در شهرها محسوب می‌شد. در این موقع گروههای تازه وارد برای آن که هم قدرت خود را بر شهر و شهریان تحکیم نموده، هم از فرصت اسکان در منطقه شهری برخوردار شوند، چند گزینه در برابر داشتند؛ در بیشتر مواقع حاکمان جدید مرکز و منطقه اصلی شهر را، که مهم‌ترین تأسیسات شهری و نظامی و سیاسی در آن جا قرار داشت، برای سکونت بر می‌گزینند. در این صورت جماعتی که از قبل در منطقه شهری مزبور سکونت یافته بودند، ناگزیر آن جا را ترک و در مکان دیگری اسکان می‌گزینند. در نتیجه، افزون بر آن که محله‌ای جدید در فضایی پیوسته به کالبد اصلی شهر برپا می‌گردید، برخی جنبه‌های کالبد پیشین شهر نیز گسترش می‌یافتد. برای نمونه، در پی ورود فاتحان عرب مسلمان به شهر بخارا چنین تجربه‌ای تحقق یافت: قبیله ابن مسلم پس از آن که شهر بخارا را به تصرف درآورد، دستورهایی را صادر نمود که آن قوم کشتکنان نیمی از خانه و ضیاع خود را به عرب‌ها مصالحه کرده و به بیرون از شهر برونده و در آن جا کوشک‌هایی برای خود بسازند. بعدها در جریان توسعه کالبد شهر، آن منطقه جدید الاحادث جزو منطقه شهری بخارا درآمد (نرشخی ۱۳۶۳: ۴۱ - ۴۲؛ بارتولد ۱۳۶۶ جلد اول: ۲۵۵).

بروز تغییر در وضعیت فضای شهری، گاه در اثر تهاجم شماری از اقوام (قبیله کوچرو یا جماعات دیگر) مهاجم به سرزمین ایران رخ می‌داد که در جریان آن اقوام مزبور به منزله نیروهای نظامی / اجتماعی حامی حکمران جدید ناگزیر یا به میل در شهرها اسکان می‌یافتنند. ضرورت‌های امنیتی - سیاسی سبب می‌گردید این گروههای تازه وارد در منطقه‌ای خارج از

کالبد شهر اسکان داده شوند و فضاهای شهری مناسب برای برآوردن نیازهای آنان برپا شود. جریان استقراریابی بخشی از جماعت مهاجر یا مهاجم در یک شهر وضعیت ویژه‌ای را به نظام محله‌ای شهرهای ایرانی در سده‌های میانه تحمل می‌کرد که از آن جمله می‌توان به هویت اجتماعی - فرهنگی به نسبه مستقل برخی محله‌ها در شهرهای ایران اشاره کرد. این امر تأثیرات بسیاری در راستای حفظ بافت اجتماعی جماعت محله‌ای بر جای می‌گذاشت.

به هر حال این جریان به سرعت پیدایش محله جدید در شهر را به دنبال داشت. این خلدون از روند استقرار جماعات صحراءگرد در شهرها و نتایج آن در رشد محله‌ای جدید شهری، بررسی مفصلی به دست داده است (این خلدون ۱۳۶۹ جلد اول: ۷۲۳). در این وضعیت نامی که بر محله جدید گزارده می‌شد، یا جایگزینی مکانی محله‌های مذبور در فضایی واقع در مجاورت شهر و دیگر ویژگی‌ها، حکایت از منشأ سرزمینی یا نژادی مردمان اسکان یافته در آن محله داشت. برای مثال، در شهر نیشابور محله‌ای به نام حیره - در جهت دروازه مرو - وجود داشت که ظاهراً به دلیل آن که پیشینیان ساکنان آن محله از مهاجران حیره کوفه به آن جا آمده بودند، چنین نامیده می‌شد (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۲۶۰؛ اشاراتی به این وضع در عهد مغول، اشپولر ۱۳۶۸: ۴۴۶).

به جز جریان ورود گروههای مهاجم و فاتح به شهرها، وقوع مهاجرت‌های ناگهانی که در اثر بروز جنگ یا مصائب طبیعی و غیره یا مهاجرت‌های کوچک از روستا یا از شهرها به سوی یک شهر صورت می‌پذیرفت، به سرعت بافت و ترکیب جمعیتی شهر را دچار تغییر می‌کرد و مسایل اجتماعی بسیاری را در پی داشت.

از این رو به دلیل وجود چنین مسایلی در شهرهای قرون میانه و ضرورت چاره‌جویی برای آن‌ها مجموعه‌ای از متون، شامل آموزه‌ها و دستورالعمل‌هایی اجرایی و عملی، فراهم آمده بود که به مدیران شهری تعالیمی را درخصوص اسکان‌دهی و مکان‌یابی قبایل و گروههای اجتماعی مختلفی که برای اقامت وارد شهرها می‌شدند، ارایه می‌داد. براساس آن آموزه‌ها برای آن که از بسیاری مشکلات بعدی چنین تغییراتی پرهیز شود، لازم بود جماعت مذبور در محله‌های خاص و در صورت لزوم با حفظ فاصله از یکدیگر استقرار داده شوند (عثمان ۱۳۷۶: ۱۱۵ - ۱۱۶).

۲ - گاه به دنبال بروز برخی تغییرات سیاسی، نظام توزیع قدرت سیاسی - نظامی در یک منطقه برهمن می‌خورد و تحولات مختلفی در فضا و کالبد شهری به وجود می‌آمد. این گونه

تحولات به اشکال مختلف بروز می‌کرد: گاه پس از آن که یک شهر به عنوان مقر سیاسی حکمران جدید یا عوامل او انتخاب می‌شد کارکردهای جدیدی که شهر براساس ضرورت‌های سیاسی - نظامی ناشی از موقعیت جدید پذیرا می‌گردید، سبب می‌شد عناصر جدیدی کالبد شهری تأسیس گردد (لایپدوس ۱۳۷۶ جلد اول: ۹۰ - ۹۲). به این ترتیب تغییرات محسوسی در شکل شهر به وجود آمده و به تدریج نظام محله‌ای و ترکیب و شکل شهر تغییر می‌یافتد.

در راستای چنین تحولاتی، بیشتر حکامی که به ویژه سرنشسته حکومت را در پی تغییری سیاسی به دست آورده، یا از قدرت و امکانات مادی درخوری برخوردار بودند، به اجرای طرح‌های عمرانی مختلف یا برپایی مجموعه‌ای سیاسی - فرهنگی در خارج از فضای شهر تمایل نشان می‌دادند. برای مثال، در قرن چهارم قمری هنگامی که حکمرانان آل بویه شهر قزوین را به مانند پایگاهی برای مقابله با کوهنشینان شمال سرزمین ایران مورد توجه قرار دادند، ابتدا صاحب بن عباد شهر را براساس نه محله سازمان داد (که برخی از آن محلات نه گانه، قدیمی بودند) و سپس در جریان شکل‌گیری و رشد بعدی کالبد بازار، نظام محله‌ای جدیدی استقرار یافت (مجابی ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹ جلد دوم: ۲۶۴). در تجربه‌ای دیگر هنگامی که طاهریان نیشابور را به عنوان مقر حکومت خود انتخاب کردند نشیمن امرا در باع شادیاخ بود، اما به تدریج جریان احداث عمارت در آن جا فرونی گرفت و عاقبت در قرن ششم قمری، آن محله شهر نیشابور شده بود (یاقوت حموی ۱۳۴۷: ۲۰). در صورتی که چنین طرح‌هایی به ثمر می‌نشست، اندک زمانی پس از تکمیل شدن تأسیسات و فضای شهری جدید، گروه‌هایی از جماعت شهر که با بدنه سیاسی شهر ارتباط داشتند به آن منطقه جدید روی می‌آوردند و در تیجه محله‌ای تازه شکل می‌گرفت. براساس چنین روندی بود که سمت‌گیری گسترش آتی شکل شهر، در جهت موقعیت مکانی فضای تازه احداث مشخص می‌گردید.

۳ - افزون بر ملاحظات و شرایط سیاسی که حکام و کارگزاران حکومت را به اجرای سیاست‌های فعال شهرسازی رهنمون می‌ساخت، برخی انگیزه‌های دیگر نیز در این راستا پیامدهای این‌گونه در برداشت. برای مثال، گاه طرح‌ها و برنامه‌های عمران شهری با هدف سرمایه‌گذاری در بنها و تأسیسات زیربنایی شهری (مانند قنات‌ها، بازارها، حمام‌ها، میادین، و غیره) و جهت انتفاع از درآمدهای ناشی از اخذ اجاره بها از اماکن، فروش خدمات یا سایر درآمدهای این‌چنینی به اجرا در می‌آمد. انجام این طرح‌ها سبب می‌شد به تدریج بخشی از جمعیت اضافی شهر که از سر اضطرار به آن منطقه روی می‌آوردند و نیز گروهی دیگر از

شهریان که برای به دست آوردن موقعیت‌های اقتصادی، بیشتر ترجیح می‌دادند در منطقه‌ای که مؤسسه اقتصادی / اجتماعی جدید در آن جا برپا شده بود، استقرار پیدا کنند، در برپا شدن سریع محله‌ای جدید مؤثر واقع می‌شدند.

برپاسازی مؤسسات مختلف شهری در یک محله، اعتبار و اهمیت آن را به سرعت بالا می‌برد. برای مثال، امیر چخماق شامی در محله دهوك اسفل بزد مسجد جمعه، خانقاہ، کاروانسرا، حمام، قنات‌خانه، بازار، چاه آب سرد و نظایر این‌ها ساخت «... آن محله را به این سبب قیمت افزود و مسجد جمعه را مسجد نو خوانند» (کاتب یزدی ۱۳۱۷: ۱۰۵). از جمله مهم‌ترین مؤسسات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که تأسیس آن‌ها چنین وضعیتی را به وجود می‌آورد، می‌توان به بنیادگذاری مسجد، خانقاہ، مدرسه، بازار، قنات و حتی مواردی چون گشودن درب جدید در حصار شهر، احداث میدان و نظایر این‌ها اشاره کرد (همان: ۶۰).

این‌گونه محله‌های تازه احداث، به دلیل آن که بیشتر از سوی نخبگان سیاسی - اداری و اشراف شهری برای سکونت انتخاب می‌شد و نیز مؤسسات مهم شهری را دارا بود، تا مدت‌های مديدة جزو مناطق مهم و گران قیمت شهری محسوب می‌گردید و تا هنگامی که بافت و کالبد آن منطقه کارکردهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را در بافت کلی شهر از دست نمی‌داد، به منزله به مهم‌ترین بخش کالبدی شهر به شمار می‌رفت.

۴ - همچنین رویه بنیادگذاری روستاها یا شهرک‌ها در مجاورت شهرهای بزرگ که توسط حکام و افراد مت念佛 صورت می‌گرفت، نیز به تدریج سمت‌گیری آتی گسترش شکلی شهر را تعیین می‌کرد. بنیادگذاری روستا و دیههای در منطقه‌ای واقع در بیرون شهر، بنا به اهداف مختلفی صورت می‌گرفت: گاه با سرمایه‌گذاری اشخاص یک رشته قنات در حاشیه شهر احداث می‌گردید، زمین‌های نامزروع آبیاری و کشت و زرع در آن منطقه رونق می‌گرفت. این امر بخشی از جمیعت و نیروی کار مزاد حاشیه شهر یا روستاهای مجاور به خود جذب می‌کرد و مناسبات روستایی را رونق می‌بخشید. گاه بنیادگذاری روستاهای در مجاورت شهر به منظور برطرف ساختن بخشی از نیاز شهریان به موادغذایی صورت می‌گرفت. همچنین گاه احياء اراضی و احداث دیههای برای وقف درآمدهای ناشی از آن برای مؤسسات تازه‌ساز شهری بود. سلغر شاه - چانشین محمودشاه، در دوره مغول - در یزد «... بر در شهر نزدیک محله یعقوبی دهی ساخت و قنات جاری کرد و آن را به اسم خود منسوب کرد و حال به سلغر آباد معروف است» (همان: ۷۹). در مورد نیشابور اشاره شده است که «... قری و قنوات که بر

حوالی شهر و قهنهز بوده، با ازدیاد عمارت در شهر و سور داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت (حاکم نیشابوری ۱۳۵۷: ۱۹۹ - ۲۰۰)، تجربه مشابهی در مورد شهر کاشان وجود دارد (بیرشک ۱۳۸۳ جلد سوم: ۳۸۳). گاه از این‌گونه محلات شهر به عنوان محله‌های روستاوار شهر یاد می‌شود (اشرف ۱۳۵۳: ۴۲) پایه‌گذاری روستاها براساس هریک از اهداف فوق، در اکثر موقع پیامدهای یکسانی را در راستای گسترش کالبد شهری و ایجاد تغییر در شکل شهرها در برداشت.

بنیان‌گذاری شهرک‌های اقماری در پیرامون شهرهای بزرگ، تأثیرات گسترده‌تری در راستای بروز تغییرات شکلی در شهرها ایفا می‌کردند. بنیان‌گذاری شهرک «کرد فنا خسرو» در مجاورت شهر شیراز و نزدیک درب مسلم - در دوره آل بویه - انعکاسی از جهت‌گیری سیاست عمرانی حکومت‌ها در جهت فراهم آوردن شرایط و فضای شهری مناسب برای فعالیت گروههای شهری بود. عضدالدوله دیلمی، در قرن چهارم قمری، که شهر شیراز از نظر وسعت و جمعیت رشد زیادی کرده بود، تصمیم به بنیان‌گذاری این شهر گرفت (ابن بلخی ۱۳۷۴: ۳۱۹ - ۳۲۳؛ لسترنج ۱۳۶۷: ۴۶۹؛ افسر ۱۳۶۷: ۴۷ - ۴۸). در این حالت الگوی گسترش شکل شهر براساس الگوی «توسعه برون کالبدی» تحقق می‌یافتد.

گاه مهم‌ترین هدف بنیان چنین استقرارگاه‌هایی آن بود که بخش اضافی جمعیت شهری را سامان‌دهی نموده، به ویژه فضای کالبدی مناسب برای رشد مناسبات تولیدی که در کالبد شهری دچار تنگناها و دشواری‌هایی شده بود، تدارک ببینند. اطلاق نام دروازه «تو» در برخی شهرها حکایت از آن دارد که پس از آن که محله تازه‌ای در بخشی از شهر برپا می‌شد، تعبیه درب جدیدی در حصار شهر لازم می‌آمد تا تردد و دسترسی ارتباطی مردمان آن بخش از شهر را تسهیل نماید. برای مثال، در دوره صفاریان گشودن دروازه نو در شهر زرنج در پی ضرورت‌های ناشی از اقدامات عمرانی و شهرسازی یعقوب و عمرین لیث در افزودن عناصر شهری جدید و احداث محله‌های جدید در شهر بود (جیهانی ۱۳۶۸: ۱۶۱ - ۱۶۲).

۵ - تهاجمات قبایل صحرائگرد سلجوقی به ایران تغییرات اجتماعی گسترده تحرک درون سرزمینی جماعات مختلف را افزایش داد و در نتیجهٔ ضرورت‌های اجتماعی که پیامد آن روند محسوب می‌شد، ظهور و رشد محله‌های جدید در شهرهایی که در موقعیت مزبور قرار گرفته بودند، شتاب گرفت. حکمرانان ترک که به نمایندگی از سوی حکومت مرکزی به حکمرانی شهر یا منطقه‌ای گمارده می‌شدند، شماری سپاهیان قبیله‌ای به همراه داشتند که به ناچار باید

در شهرها یا مجاورت آن‌ها استقرار می‌یافتد. این امر برای مردمان ساکن در شهرها مشکلات فراوانی پدید می‌آورد. از این‌رو راه کار احداث محله‌های جدید به عنوان راه حلی فوری برای برطرف کردن چنین مشکلاتی در دستور کار حکمرانان قرار می‌گرفت. برای مثال ملک تورانشاه، حکمران سلجوقی کرمان، که در ابتدا سپاهیانش در منازل مسکونی مردم شهر اسکان یافته بودند و این امر مشکلات بسیاری را برای شهریان به وجود می‌آورد، مکان‌هایی برای استقرار سپاهیان در فضای خارج از شهر اختصاص داد. وی در ریض شهر کرمان برنامه‌های عمرانی گسترده‌ای جهت احداث تأسیسات شهری و اقامتی ضروری برای اسکان سپاهیان اجرا درآورد و به‌این‌ترتیب محل استقرار آنان را از محل زندگی مردم شهر تفکیک کرد. بنا به روایت کلی که در این رابطه وجود دارد چنین اقدامی به این واقعه مربوط می‌شد که شخصی از فرود آمدن سپاهی در منزلش شکایت نزد ملک توران شاه برد و مشکلات خود و خانواده‌اش را در این خصوص بازگو کرد و توضیحات وی ملک تورانشاه را از عمق رنج مردم آگاهی داد. از این‌رو وی دستور داد تا استادان بنا را حاضر کرده و «... در ریض، بیرون شهر، بنای سرای خویش فرمود و در جنب‌سرایی، مسجد جامع و مدرسه و خانقاہ و بیمامستان و گرمراه و اوقاف شگرف بر آن‌ها نهاده و فرمود تا امراء دولت و صدور حضرت و معارف ولایت همه در ریض منازل ساختند...» و آن محله به نام « محله سه‌شنبه‌ی » معروف شد. این محله تا مدت‌ها از محلات مهم و معتبر شهر کرمان بود (فضل‌الدین کرمانی ۱۳۷۳: ۳۶۸) به بعد، خلفای عباسی، از جمله معتصم بالله عباسی، نیز در چنین فرایندی سپاهیان ترک خود را در محله‌های تازه احداثی که برای این منظور بنا می‌کردند، استقرار می‌دادند (عریان ۱۳۷۴: ۲۸۹؛ مناظراحسن ۱۳۶۹: ۲۰۸؛ اشاره‌ای به محله خاص برای اسکان غلامان ترک در شهر غزنی: محمدبن منصور مبارکشاه فخرمذیر ۱۳۴۶: ۱۰۶، و تجربه مشابهی در مورد شهر یزد در دوره علاء‌الدوله کاکویی؛ کاتب‌یزدی ۱۳۱۷: ۶۶ - ۶۷).

اهمیت اجرای این برنامه عمران شهری در شهرهای سده‌های میانه سبب گردید برخی دستورالعمل‌ها در این خصوص تدوین گردد تا حکمرانان مسلمان را در باب وجوب پرداختن به شیوه اسکان قبایل در محله‌های مختلف و جدا از یکدیگر، راهنمایی داد (عبدالستار عنمان ۱۳۷۶: ۱۱۵ - ۱۱۶). اقدامات مشابه سلاطین سلجوقی بزرگ در شهر بغداد نیز در راستای چنین وضعیتی صورت می‌گرفت. اگرچه بدون تردید اقدامات سلجوقیان در این خصوص گستره وسیع‌تری داشت. از جمله، هنگامی که طغیل به بغداد وارد شد اقامت سپاهیانش در

شهر مردم را به رنج مبتلا کرد. لذا وی برای رعایت حال مردمان محله‌ای جداگانه ترتیب داد که محل اسکان سلطان و دیوانیان و غیره بود (بنداری اصفهانی ۱۳۵۶: ۶۰؛ ظهیری نیشابوری: ۱۳۳۲: ۱۹؛ امین ۱۳۸۵: ۲۸۲ - ۲۸۳؛ کوی مسلح‌گاه شهری نیز مخصوص استقرار سپاهیان سلطان سلجوقی بود، کریمان ۱۳۴۵ جلد اول: ۲۵۴ - ۲۵۵).

در دوره مغولان که وضعیت مشابه با دوره سلجوقیان به وجود آمده بود، ایلخانان مغول و حکمرانانشان، برنامه‌های عمرانی مشابهی را به اجرا درآوردند که در نتیجه آن توسعه کالبدی شهرها شتاب گرفت. حمدالله مستوفی در مورد شهر تبریز اشاره دارد: «چون آن جا دارالملک شد، خلائق کثیر شدند و لذا در بیرون شهر عمارت کردند تا جایی که به هر دروازه از شهر، از اصل شهر زیادت آبادانی حاصل شد» (حمدالله مستوفی قزوینی ۱۳۷۸: ۱۲۲ - ۱۲۳؛ اشپولر ۱۳۶۸: ۴۴۶). اقدام غازان‌خان در احداث شهرکی که به «شام» معروف شد و نیز پایه‌گزاری «ربع رشیدی» توسط وزیر او سبب شد جمعیت به آن سو سرازیر شده و ازدیاد نفوس در آن محله‌ها باعث شد که بعد از احداث بارویی بسیار بزرگ کوی‌هایی را که در بیرون شهر بود درون بارو جای دهد (حمدالله مستوفی قزوینی ۱۳۷۸: ۱۲۳). در این دوره در مورد شهر تبریز نیز انجام چنین اقداماتی ضرورت یافته بود (ذکاء جلد سوم: ۱۶۷ - ۱۶۸؛ نیز همو ۱۳۷۶ جلد اول: ۱۴۶؛ گاه محله‌ها در خارج از شهر احداث می‌گردید و سپس به شهر اصلی منضم می‌گردید (ضیاء‌توانی ۱۳۷۰: ۱۸۱)).

۶ - در جریان تأسیس و به وجود آمدن محله‌ها و شهرک‌های جدید و گسترش کالبد شهرهای ایران در سده‌های میانه، افزون بر علل سیاسی و حکومتی مورد بحث، عوامل دیگری نیز در این روند دخالت داشته و نقش ایفا می‌کردند: گاه یک کوی یا محله خاص به منظور اقامت شخص خلیفه با اعوان و انصارش بنیان‌گذاری می‌شد. مانند محله‌ای که برای مهدی عباسی در بغداد احداث شد (یاقوت‌حموی ۱۳۴۷: ۱۱۶) یا بنیادگذاری محله‌های دیگری چون رصافه، که بعداً با محله کرخ ادغام شد. این‌گونه تجربه عمران شهری در شهرهای قاهره، فسطاط، عسکر و قطائع و نظایر این‌ها نیز قابل بررسی است (عبدالستار عثمان ۱۳۷۶: ۱۲۵ - ۱۲۶).

گاه بنا به ضرورت‌های ناشی از رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی شهرها (مانند افزایش شمار جمعیت پیشه‌وران و سایر گروه‌های شهری نظری) محله جدیدی با کارکردهای مشخص، برای یک گروه از مردم شهر احداث می‌گردید تا در عرصه و فضای زندگی آن‌ها

که در شهر تنگ شده بود، گشايشی صورت گيرد. بنيان گذاري محله کرخ به منظور انتقال محله‌ای کسب و کار تجار و دکان‌های پیشه‌وران شهر بغداد که دچار مضيقه فضایی شده بودند، صورت گرفت که در نتیجه آن تردد و آسایش خریداران و مردم مراجعته کننده به آنان نیز متحقق می‌گردید. آرتور پوپ روند رشد شهرها در جهت محورهای خیابان‌های اصلی شهر را که هجوم جمعیت به سوی استحکامات شهری و احداث فضاهای مسکونی در اطراف آن‌ها شده و به پیدایش محله‌ها می‌انجامید، مورد بررسی قرار داده است (پوپ: ۱۷۴). احداث محله کرخ در بغداد با هدف انتقال بازارها و دکان‌های پیشه‌وران از درون شهر بغداد به آن‌جا صورت گرفت (جاوبدان: ۱۳۷۸: ۱۲۲ - ۱۳۱؛ شیخلي: ۱۳۶۲: ۶۰ - ۶۱).

با عنایت به شیوه‌های افزایش فضای کالبدی شهری براساس الگوی تأسیس محله/ محله‌ها در شهرها، لازم است در خصوص تداوم حیات و رونق اجتماعی - اقتصادی محله‌های مزبور در ادوار پس از بروجور آمدن آنان، چند موضوع مدنظر قرار گیرد: ۱ - در شهرهای سده‌های میانه، روند رشد و توسعه کالبد شهر به صورت تأسیس و برياً شدن محله‌ها و شهرک‌هایی در حومه شهر اصلی به صورت امری معمول درآمده بود. ۲ - امور عمرانی این‌گونه محله‌ها تابع الگوی عمرانی شهر اصلی بوده، از این‌رو تحت تأثیر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهر قرار داشتند. ۳ - نکته مهم دیگر درباره بنیادگذاری و احداث محله در شهرها و نیز توسعه بعدی کالبد آن به اقامت افراد سرشناس و معتبر در آن‌جا باز می‌گشت؛ زیرا در صورتی که در محله تازه تأسیس رجال صاحب نام و دارای قدرت و نفوذ اجتماعی - سیاسی و اقتصادی اسکان می‌گزیدند، بر اعتبار آن محله در شهر افزوده می‌شد. بر این اساس بسیاری از مورخان در توضیحی که از محلات شهر مورد نظرشان ارائه می‌دهند، به ذکر نام و شرح احوال ساکنان معروف آن می‌بردازند (سلطان‌زاده: ۱۳۶۷: ۲۳۹). برای مثال، تنوخی در حکایتی اشاره دارد: صراف پیری پس از سال‌ها به بغداد و خانه خود بازگشت و مشاهده کرد آن‌جا تغییر بسیاری یافته و بسیار نیکو شده «... دکان‌ها به رسم سرای بزرگان کشیده و در بانان نشسته و...». وی ابتدا به ذهنیت چنین خطور می‌کند که همسرش مرده و «... کسی از اصحاب سلطان سرای را ملکیت فرو گرفته...» و این آبادانی که در محله او صورت گرفته است، در اثر آن چنان تغییراتی رخ داده است. اما بعد متوجه اصل ماجرا می‌شود (تنوخی ۱۳۶۲ جلد دوم: ۸۵۷ - ۸۵۸). حاکم نیشابوری نیز در توصیف محله نصرآباد گوید «... اعلاه شهر بود، بزرگ و عریض محل علماء و تجار بود... چهل بازارگان در آن محله بود...» «دارای جاه و

مال و حشمت...» (حاکم نیشابوری ۱۳۷۵: ۲۰۱). ۴ - در عین حال تأثیرات تحولات سیاسی، در گیری‌های فرقه‌ای و دیگر حوادث مشابه، سرنوشت محله‌ها را دستخوش تغییر می‌کرد و به مرور از اعتبار و اهمیت آن‌ها می‌کاست. تقسیم محله‌های یک شهر به جماعت شیعه و سنی و سایر اقلیت‌های دینی، نشانه اهمیت و تأثیرگذاری ملاک‌های دینی در جایگزینی پیروان گرایش‌های مختلف مذهبی در شهرها بود. در اثر چنین وضعیتی لازم می‌آمد مؤسسات ضروری زندگی شهری در درون محله برپا شود تا این طریق روند جدایی‌گزینی اجتماعی - فرهنگی محله‌ها از یکدیگر نهادینه گردد. شهری نمونه‌ای از چنین شهرهایی در ایران بود (کریمان ۱۳۴۵ جلد اول: ۱۹۰ - ۲۱۲). در این شرایط ستیزه‌های محله‌ها با یکدیگر تحت تأثیر مسایل و نزاع‌های مذهبی به شکل نهادینه‌ای در می‌آمد. شهر نیشابور هنگامی که مورد هجوم غزها واقع شد، بیشترین تخریب‌های شهر ناشی از توأم شدن نزاع‌های مردمان محله‌ها با یکدیگر و تهاجمات صحراءگردان بود (حسینی یزدی ۱۹۰۸: ۱۰۹). شکل نهادینه شده ستیزه‌های محله‌ای در شهرهای ایران در ادوار بعد در شکل منازعات عمتمی و حیدری تجلی کرد (میرجعفری ۱۳۶۱: ۱۱۷ - ۱۵۵؛ سلطان‌زاده ۱۳۷۰: ۳۵۱ - ۳۶۷).

به‌این ترتیب، در شهرهای قرون میانه بنایه دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی احداث محله‌های جدید و مستقل ضرورت پیدا می‌کرد، در جریان گسترش بعدی کالبد محله‌های مزبور به تدریج در ساختار کالبدی شهر ادغام می‌شدند و در نهایت شکل و فضای شهرها گسترش می‌یافتد. این روال یکی از الگوهای توسعه کالبدی و رشد فضای اجتماعی شهری در سده‌های میانه بود.

ب - اما الگوی دیگری که در جریان رشد کالبدی و شکلی شهرها در سده‌های میانه قابل مطالعه است، به این صورت بود که متعاقب تأسیس برخی مؤسسات مهم در یک منطقه از شهر فعالیت‌های روزمره شهربنشینان در آن محدوده شتاب گرفته، زندگی رونق می‌یافتد. برای مثال بنیان‌گذاری مساجد، به ویژه مسجد جامع، در این زمرة بود. احداث مسجد در یک شهر به هنگام شتاب‌گیری روند توسعه شهر یا برای بالا بردن اعتبار یک محله یا منطقه در حال رشد ضروری بود. مثلاً در شهر نیشابور سه مسجد توسط عبدالله بن عامر احداث گردید (بولت ۱۳۶۱: ۵۱۷) یا در شهر واسطه دو مسجد جامع در زمان‌های مختلف احداث گردید (ابن‌رسته ۱۳۸۰: ۲۱۸). در یزد نیز علاء‌الدوله کالیحار پس از توسعه کالبدی شهر مساجد

متعددی را بنیان‌گذاری کرد (کاتب یزدی ۱۳۱۷: ۶۵)، عمر و لیث صفاری نیز برای شادیاخ (در حومه نیشابور) مسجد جامع نیکویی بنا کرد.

سبب اعتبار یافتن یک منطقه یا محله جدید و تازه‌ساز شده و رغبت گروه‌های مختلف شهری را به اقامت در پیرامون آن بنای مهم برمی‌انگیخت. در عین حال، انجام فعالیت‌های عمرانی نشانگر آن بود که فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و مناسبات شهرنشینی در منطقه موردنظر شتاب گرفته است.

تأسیس بناهای تجاری که به عنوان فضاهای مکمل کالبد اصلی بازار شهر محسوب می‌شد و اغلب به سوی دروازه‌های شهر جهت‌گیری می‌نمود، گسترش محلات مسکونی و پیشه‌وری مختلف در شهر را به دنبال داشت. در برخی موارد حکام به ساخت بازار در شهرها اقدام می‌کردند. به احداث محله کرخ توسط منصور عباسی اشاره کردیم. سلطان محمود غزنوی بازاری در برابر مسجد جامع شهر نیشابور احداث کرد (حاکم نیشابوری ۱۳۶۷: ۱۹۸). در سایر شهرها چون یزد (کاتب یزدی ۱۳۱۷: ۹۶ - ۹۴) و قزوین (همان: ۲۶۴) نیز چنین تجربیاتی چنینی داشتند (مانند کاروانسراهای با انگیزه‌های متفاوتی عمل می‌کردند (کیانی ۱۳۷۴: ۱۳؛ گرابر ۱۳۷۵: ۹۸) اما نتایج امر مشابهت‌های بسیاری را در روند رشد کالبدی شهر بر جای می‌گذارد.

هنگامی که در اثر ضعف حکومت مرکزی امنیت متزلزل می‌گردید، یا در اثر شیوع جنگ‌های داخلی تهاجمات به شهرها گسترش پیدا می‌کرد، ضرورت برآوراشتن حصارها بر گرد شهر به میان می‌آمد. در این شرایط بود که بسیاری از محله‌ها یا بناهای بربا شده و گاه حتی روستاهایی که خارج از حصار کهنه شهر قرار داشتند، در درون حصار جدید ساماندهی شده، در واقع به فضای اصلی شهر ملحق می‌شدند؛ و به این ترتیب عرصه فضای داخلی و وسعت کالبد شهر افزایش می‌یافت و شکل شهر تحت تأثیر این روال تغییر پیدا می‌کرد. شهر یزد (کاتب یزدی ۱۳۱۷: ۷۵) و شهر کرمان چنین تجربیاتی داشتند. در قرن ۹ هـ که حصاری برگرد شهر کرمان کشیده شد و «بعض محلات خارج شهر قدیم را جزو شهر کردند» (باستانی پاربزی ۱۳۶۶ جلد دوم: ۱۹۹). همچنین چون باروی شهر تبریز در عهد غازان «بسیاری از کوی‌ها و بازارها و خانه‌ها را که در بیرون از آن پدید آمده بودند، نمی‌پوشاند» بارویی جدید کشیده شد که تمام باغات و خانه‌های مردم داخل محوطه افتاد (وهابزاده ۱۳۷۴ جلد سوم: ۷۹).

احداث بارو برگرد شهرها به مانند مهم‌ترین عامل در جذب مردمان نگران از حفظ جان و مال خود به شهرها نقش ایفا می‌کرد. در جریان اقامت‌گزینی شمار بیشتری از مردمان در درون حصار امن شهر فعالیت‌های اقتصادی شهر گسترش یافته و رونق پیدا می‌کرد. شرح ابن‌فقیه در مورد شهر تبریز (ابن‌فقیه ۱۳۴۹: ۱۲۷) و گزارش حمدالله مستوفی در مورد شهر اصفهان مؤید این نظر است (مستوفی قزوینی ۱۳۷۸: ۸۹).

از این‌رو در نظر برنامه‌ریزان عمران شهری الگوی توسعه کالبدی - اجتماعی شهری براساس کشیدن بارو و حصار برگرد شهرها به دلیل نتایج متفاوت و مهمی که در پی داشت، بسیار مورد توجه بود (ذکاء ۱۳۷۶: ۱۴۶؛ شکوهی ۱۳۷۸: ۱۴۴؛ بیرشك ۱۳۷۴: ۱۴۵؛ ۳۸۳ - ۱۳۷۴: معیری ۱۳۷۱: ۳۴؛ عبدالستار عثمان ۱۳۷۶: ۸۸۱ - ۱۲۰). Northeodge 1997: .(883)

احداث فضاهای آموزشی نظیر مدرسه، که به مانند یک «مجموعه کالبدی» درنظر می‌آمد (الگوی نمونه‌وار یک مدرسه مرکب از اجزاء گوناگون فضاهای آموزشی و خدماتی و علمی و سایر فضاهای تکمیلی) نیز تأثیرات بسیاری در طراحی فضاهای و الگوی عمران شهری داشت. افزون بر آن پایه‌گذاری یک مدرسه در منطقه‌ای از شهر رونق‌یابی و رشد فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی را آن بخش از شهر باعث می‌گردید. احداث مدرسه غالباً در محلات پرجمعیت پیشه‌وری، یا بازار صورت می‌گرفت؛ و این امر به دلیل ارتباط این مؤسسه با اقتصاد شهری بود. برای مثال؛ اتابک عزالدین لنگر، مدرسه‌ای عالی در میان بازار شهر یزد احداث کرد (کاتب‌یزدی ۱۳۱۷: ۷۴) در شیراز نیز آیش خاتون در کوی طناب بافان مدرسه‌ای بريا کرد (خواندمیر ۱۳۷۲: ۱۳۵ و غیره).

همچنین است پایه‌گذاری دیگر مؤسسات فرهنگی - اقتصادی و رفاهی مانند کاروانسرا، کتابخانه، حمام، میدان، آب‌انبار، خانقاہ، ریاط و نظایر این‌ها، که هریک به سهم خود در جهت‌یابی و تعیین مسیر رشد فضاهای کالبدی شهرها نقش ایفا می‌کرد، تمرکز و گسترش فعالیت شهرنشینان در پیرامون فضاهای مزبور در شهر را نیز به دنبال داشت.

البته لازم است اشاره شود که سرمایه‌گذاری اشخاص متنفذ و متمول یا هزینه‌هایی که حکمرانان در اموری چون برق‌پایی مؤسسات شهری به طور یکسان همه مناطق یک شهر را در بر نمی‌گرفت؛ بلکه معمولاً چنین بود که در یک دوره تاریخی یک منطقه شهر که شرایط مناسبی برای برپاسازی مؤسسات شهری برخوردار بود، مورد توجه قرار می‌گرفت و البته به

همین روال در ادوار بعد و در پی بروز تحولات سیاسی - اجتماعی از رونق و شکوفایی آن محله کاسته می‌گردید.

پ - روال دیگر بروز تغییر در بافت، کالبد و شکل شهرهای ایران در قرون میانه در آن شمار از شهرهایی ملاحظه می‌گردید که به عنوان پایتخت و مرکز یک حکومت انتخاب می‌شدند؛ زیرا در این شرایط به دلیل آن که مدیریت امور اداری و سیاسی یک قلمرو پهناور در شهر تمرکز می‌بافت، لازم می‌آمد مؤسسات و فضاهای متلازم با نقش جدیدی که شهر پذیرفته بود، برپا گردد تا نیازهای گوناگون مرکزیت سیاسی - اداری جدید را برآورده سازند. این امر رونق و ارتقاء موقعیت اجتماعی - اقتصادی شهر را به دنبال داشت: از یکسو سیل مازاد تولید بخش‌های مختلف کشور یا منطقه به آن شهر سرازیر می‌شد و از سوی دیگر افزایش مداوم جمعیت و نیازهای گوناگون بخش‌های مختلف اقتصادی و اداری، فعالیت‌های عمرانی مستمری را در شهر ضروری می‌ساخت. ایجاد بنایهای با کارکردهای اداری و سیاسی یا قابلیت‌های دفاعی و امنیتی شهر، ساخت بنایهای یادبود و نظایر این‌ها، از جمله اشکال توسعه کالبدی و فضایی چنین شهرهایی بهشمار می‌رفت. جریان دائمی ورود مهاجران خرد و کلان از نواحی دور و نزدیک به شهر پایتختی، رشد جمعیت شهر را شتاب می‌بخشید و این امر نیز در سرعت‌گیری ساخت و سازها و در نهایت متحول نمودن شکل و کالبد فضای شهری مؤثر بود. بر این اساس می‌توان مراحل رشد ناگهانی برخی شهرها در دوره رونق و شکوفایی سیاسی - اداری و اقتصادی آنان تحلیل و ارزیابی کرد (بررسی وضعیت شهرهای پایتختی ایران در: کیانی ۱۳۷۴؛ گرابر ۱۳۸۰ - ۱۵: ۷۹).

به عنوان مثال شهرهایی چون یزد به هنگامی که مرکزیت اتابکان یزد را پیدا کرد (کاتب‌یزدی ۱۳۱۷: ۶۵ به بعد) و شهر هرات در دورهٔ تیموریان (حافظ ابرو ۱۳۴۹: ۹ به بعد) و شهر اصفهان در عهدشاه عباس (حیبی ۱۳۷۸: ۹۳ - ۱۰۲) چنین تجربیاتی را از سر گذرانیدند.

الگوی شهر پایتختی را می‌توان تجلی و ظهور «آرمان شهر» حکومت‌های مقتدر و مرکز بهشمار آورد که به ویژه در مورد حکومت‌های پیش از اسلام و در نزد برخی از شهرهای پایتختی حکومت‌های دوره اسلامی، مانند سامانیان (بخارا)، آل بویه (شیراز)، سلجوقیان (ری - اصفهان)، مغول (سلطانیه - تبریز)، تیموریان (هرات)، صفویه (قزوین - اصفهان) نمود پیدا کرده بود. امرا و حکام نواحی مختلف نیز در اجرای برنامه‌های عمران

شهری خود تلاش داشتند از طرح مزبور پیروی نمایند. بازتاب این گرایش‌ها در شهرسازی را می‌توان در مورد شهرهای یزد، شیراز، کرمان و موارد دیگر مطالعه کرد. بروز یکی از وضعیت‌های رشد و گسترش یا انحطاط و پس رفت مناسبات اقتصاد شهری از علل عمده ایجاد تحول و تغییر در کالبد و شکل شهرها بهشمار می‌رفت. پیشرفت فعالیت‌های اقتصاد شهری (مانند بخش تولید کالایی - بخش پیشه‌وری - یا بخش مبادله و توزیع) نیازمند گسترش و ایجاد فضاهای مناسب با مقتضیات این‌گونه فعالیت‌ها بود. افزایش وسعت شهرها در دوره ساسانیان که سبب گردیده بود جریان مکان‌یابی و استقرار گروه‌های پیشدور برگرد کهن دژ شتاب گیرد، فضاهای کالبدی پیرامون کهن دژ را گسترش داده بود. پیدایش منطقه شارستان در شهر دوره باستان در تداوم این وضعیت تحقق یافت. در نتیجه تحولی که در مناسبات اجتماعی - اقتصادی شهرها در قرون نخستین پس از اسلام به وجود آمد، مرکزیت زندگی و فعالیت شهری در منطقه ریض قرار گرفت و به تدریج اغلب مؤسسات اصلی شهری در ریض برپا گردید: بنای‌های مانند مسجد، دارالاماره، بازار، حمام، کاروانسراها و غیره. روند برآمدن منطقه ریض و انتقال تأسیسات شهری به آن منطقه را مثلاً در مورد شهر نیشابور در سده‌های اول هجری می‌توان به خوبی ردیابی کرد (اعتضادی ۱۳۷۴: ۲۶).

در جریان این فرایند، شماری از ساکنان مناطق کهن دژ و شارستان - که به تدریج عنوان شهر کهنه به خود می‌گرفت - استقرارگاه خود را در آن نواحی ترک گفته، به محله‌ای تازه تأسیس شده‌ای که در فضای دورتری از قلب شهر قرار داشت، نقل مکان می‌کردند (در مورد شهر کاث - در خوارزم - بارتولد ۱۳۶۶ جلد اول: ۲۲۹ - ۳۳۳).

این روند تحت تأثیر عوامل و رخدادهای مختلف نیز قرار داشت. برای مثال، جریان جابه‌جایی درونی مردمان شهر را شتاب می‌بخشید (در مورد شهر بخارا، بارتولد ۱۳۶۶ جلد اول: ۲۵۵ - ۲۵۶؛ غفوراف جلد اول: ۵۶۲).

رشد اجتماعی - اقتصادی منطقه ریض و گسترش کالبد آن به عنوان منطقه مهم شهری ایجاد می‌کرد برای برقراری امنیت در آن بخش دیواری بر گردانگرد آن کشیده شود و بهاین ترتیب کالبد ریض به مانند لایه جدیدی بر ساختار کالبدی شهر افزوده می‌شد و شکل آن را تحت تأثیر قرار می‌داد. برای مثال، هنگامی که در شهر بخارا چنین وضعیتی رخ داد اهل ریض از امیر بخارا (احمدبن خالد) درخواست کردند سور و دیواری برگرد ریض بکشد تا امنیت مالی و جانی آن مردمان تأمین گردد (ترشخی ۱۳۶۳: ۴۸).

بررسی تغییرات اجتماعی - اقتصادی و پیامدهای این چنینی در شهرهای ایران، (یوسفی فر ۱۳۸۴: ۲۱۷ - ۲۶۱). اهمیت منطقه ریض در شکل دهی به مناسبات شهری از شهرهای سده‌های قرون میانه تا اندازه‌ای بود جغرافیانگاران در گزارش خود از آن شهرها تنها درباره ریض یک شهر مطالبی را مورد اشاره قرار داده‌اند. گزارش‌های موجود در مورد شهرکش در ماوراءالنهر، در دوره سامانیان، چنین است. کهن دز و شارستان شهر به صورت ویرانه درآمده بود و فقط منطقه ریض حالت مسکون داشت و تنها زندان و مسجد جامع در شهرستان باقی مانده بود؛ اما بازارها و محلات شهر در منطقه ریض قرار داشتند (بارتولد ۱۳۶۰ جلد اول: ۳۱۰).

فرایند انتقال مرکزیت مناسبات اجتماعی - اقتصادی زندگی شهری از کهن دز و شارستان دوره باستان به منطقه ریض در شهرهای دوره اسلامی، تحت تأثیر چند عامل قرار داشت: رشد سریع مناسبات تجاری و تولید کالایی در شهرهای سده‌های میانه سبب گردید گروه‌های پیشه‌ور و سایر فعالان اقتصادی که در منطقه شارستان دوره ساسانی استقرار پیدا کرده بودند، به ناگزیر در فضاهای جدیدی که در امتداد راه‌های اصلی شهر گسترش می‌یافت، استقرار پیدا کنند؛ و بر این اساس فضاهای کالبدی مهمی چون بازار و مناطق سکونت گاهی بازارگانان و کسبه و پیشه‌وران در منطقه ریض که خارج از فضای کالبدی شهری دوره ساسانی قرار داشت، برپا می‌گردید (اشرف ۱۳۵۳: ۲۱؛ بررسی جریان رشد بازارها و شیوه‌های پیدایش فضاهای شهری، بافت بازار و محلات پیرامون آن و نحوه استقرار پیشه‌وران در کالبد بازار و مجاور آن: میشل ۱۳۸۰: ۹۷ - ۱۱۱؛ سلطانزاده ۱۳۸۰: ۷۸۶). پژوهش ریچارد فرای درباره شهر بخارا مؤید بروز چنین تحولی در شهر بخارای دوره سامانیان است: «گسترش زیاد حرف و صنایع و داد و ستد و بازارها، خاصه در قرن دهم (قرن ۳ و ۴ هـ) در حکم انتقال جمعیت به حومه شهرها یا ریض بود. امنیتی که در دوره سامانیان احساس می‌شد و ازین رفتن خطر حمله اقوام کافر بیابان گرد، موجب رشد و رونق مداوم اطراف شهرها در خراسان و ماوراءالنهر گردید» (فرای ۱۳۴۸: ۲۱۹ - ۲۲۰)، تحولات مشابه در شهرهای نیشابور، ری، بردسیر، زرنج و سایر شهرهای آن دوران نیز در جریان بود (اشرف ۱۳۵۳: ۲۲؛ سلطانزاده ۱۳۶۷: ۹۶).

البته در جریان الحاق منطقه ریض به جامعه شهر کهن مواعنی نیز وجود داشتند که از جمله می‌توان به برخی محدودیت‌های مذهبی اشاره کرد. در واقع به دلیل آن که احداث مسجد جامع

در شهرهای دوره اسلامی باعث گردیده بود رسوم و شعایر مهم مسلمانان در آن مکان اجرا گردد، هرگونه فاصله گرفتن از منطقه مقرر برای اماکن مذهبی مانند مسجد جامع اشکالاتی را در شیوه اداء فرایض یا ضرورت‌های دسترسی به آن مؤسسات پیش می‌آورد. در اثر اجتناب‌ناپذیر بودن انتقال زندگی اقتصادی و اجتماعی به منطقه ریض، که به تدریج موقعیت شهری پیدا می‌کرد، مؤسسات اصلی شهری در آن منطقه استقرار می‌یافتد. مسأله ضرورت اجازه تأسیس مسجد جامع در منطقه ریض از سوی برخی فقهاء (عبدالستار عثمان ۱۳۷۶: ۳۳۶) و گاه احداث دو مسجد جامع در شهرهای بزرگ (مثلاً مرو) ساخته می‌شد. (مقدسی جلد دو: ۴۵۴) گسترش منطقه ریض را با تأیید رسمی مراجع توأم ساخت. پیدایش و استقرار عناصر مرتبط با فعالیت‌های تجاری و پیشه‌وری در مسیر راهها و خیابان‌های اصلی شهر در حال گسترش صورت می‌گرفت (خیرآبادی ۱۳۷۶ - ۶۵؛ و در این راستا سیمای شهر را متحول می‌ساخت (عبدالستار عثمان ۱۳۷۶: ۱۴۲ - ۱۴۳). منطقه ریض در شهرهای قرون پنجم و ششم هجری چنان اهمیتی پیدا کرد که مؤلفی چون یاقوت حموی از «ریض» به عنوان «اساس شهر» (یاقوت حموی ۱۳۴۷: ۹۱ - ۹۴) و برخی مؤلفان دیگر آن را «شهر بیرونی» می‌نامیدند. ریض نیشابور شهر بیرونی نامیده می‌شد، چرا که در آن بازارهای شهر، مسجد جامع اصلی، دارالاماره، و برخی مؤسسات دیگر وجود داشت و در برگیرنده یک سلسله از محیط شهری بود (بولت ۱۳۶۱: ۵۱۸؛ شهر بخارا نیز چنین بود (غفوراف ۱۳۳۷ جلد اول: ۵۶۲).

گفتنی است چون گسترش ریض در منطقه‌ای صورت می‌گرفت که «حومه شهر» محسوب می‌شد، پیش‌روی فضای کالبدی آن در محدوده باغ‌ها، کشتزارها و مناطق مسکونی و کشاورزی متحقق می‌شد و در نتیجه شکل گسترش فضا و بافت منطقه ریض، به جز در محور خیابان‌های اصلی، از الگوی تأسیسات آبرسانی، تقسیم‌بندی مزارع و راههای خاص کشاورزی و موارد دیگر پیروی می‌کرد. پیروی بافت، کالبد و فضای شهری منطقه ریض از الگوی کوچه باغ‌ها، مرزبندی‌های مزارع، کشتزارها و نیز پیروی از مسیر جریان آب در جوی‌ها از آن جمله است (فیروزآبادی ۱۳۷۴ جلد اول: ۳۷۵ - ۳۸۳). وجود کوچه‌ها و راههای ارتباطی پریچ و خم در شهرهای کهن حکایت از آن دارد که جریان گسترش کالبد ریض از این امر ناشی می‌شد.

در نتیجه، به دلیل آن که رشد و گسترش مناسبات تجاری و تولید پیشه‌وری در شهرهای قرون میانه، متلازم و همساز با فرایند تولید فضاهای شهری متناسب با فعالیت‌های اقتصادی

- اجتماعی مزبور بود، می‌توان چنین بیان داشت میزان تفوق و تسلط مناسبات تجاری و تولیدی در شهرهای مختلف قرون میانه با شکل گسترش، کیفیت، نوع فضاهای و معماری ویژه‌ای که در شهرها ایجاد می‌گردید، قابل مطالعه و بررسی است (یوسفی‌فر ۱۳۸۴) مقایسه این بحث با روند ظهور شهرها در اروپای قرون وسطی و زاد و رشد سرمایه‌داری در آن شهرها که توأم با تولید فضاهای و معماری ویژه بورژوازی بود (داد ۱۳۷۹: ۱۱ - ۱۳۲).

ث - در بررسی موضوعی چون فرایند شکل‌گیری و تحولات فضا و کالبد شهر و نیز تحلیل مناسبات شهرنشینی در ایران باید برای موضوع نهاد وقف جایگاه خاصی در نظر گرفت (اهلرز ۱۳۷۳: ۴۵ - ۵۱).

نهاد وقف و مؤسسات وقفی از جنبه‌های مختلف در تعیین شکل شهرهای اسلامی تأثیرگذار بودند، که اهم آن موارد عبارتند از: اول، «جنبه تکوینی و مکانی»؛ دوم، «جنبه اجتماعی - اقتصادی»؛ سوم، «جنبه سیاسی» (اهلرز ۱۳۷۳: ۴۵). منظور از جنبه اول، خصلت شهرآفرینی موقوفات، یعنی توسعه مناسبات شهر براساس درآمدهایی که از موقوفات برای مصارف ویژه گسترش کالبد شهر اختصاص می‌یافتد؛ جنبه دوم تأثیرگزاری کالبدی در ساختمان‌سازی مناطق مسکونی و بخش‌های بازرگانی و تأسیسات مذهبی در شهرهای شرق اسلامی است.

بسیاری از واقفان مؤسسات وقفی، با هدف برقراری حمایت اجتماعی از لایه‌های پایین جامعه، ایجاد فضاهای شهری لازم برای فراهم آوردن امکان کسب و کار پیشه‌وران فرودست و نیز سامان‌بخشی و پاسخ‌گویی به برخی نیازمندی‌های زندگی روزمره مردم، اقدامات خود را انجام می‌دادند. از این‌رو، کارکردهای نهاد وقف در شکل مناسبات شهری به صور مختلف ظاهر می‌گردید: در اختیار گذاردن مساکن ارزان قیمت برای شماری از مستمندان یا مهاجران به شهرها، سامان‌بابی اجتماعی گروه‌های فرودست را باعث می‌گردید و تأمین مکان‌های مناسب کار و فعالیت اقتصادی برای گروه‌های پیشه‌وری فقیر، رونق فعالیت‌های پیشه‌وری در شهر را باعث می‌شد و در نهایت میزان رشد اشتغال در جامعه شهری افزایش می‌یافت.

اختصاص موقوفات روستایی برای مصارف گوناگون در شهرها سبب می‌گردید بخشی از مازاد تولید کشاورزی روستایی به سوی شهرها سرازیر گردیده، به همراه درآمدهای موقوفات شهری صرف سرمایه‌گذاری و گسترش تأسیسات عمومی و عام‌المنفعه در شهرها گردیده، به همین ترتیب هزینه برگزاری بسیاری از شعائر دینی، آداب و رسوم اجتماعی تأمین

می شد. به این ترتیب، در نتیجه تحقق کارکردهای نهاد وقف که در حوزه های مختلف امور شهری سده های میانه ملاحظه می شد، نتایج گوناگونی را در پی داشت که به عنوان مثال می توان به دو مورد ویژه از چنین پیامدهایی اشاره کرد:

- ۱ - افزایش موقوفات که برای برقاسازی بناها و فضاهای خاص در شهرها اختصاص می یافت، باعث می گردید آن بخش از بافت های شهری که در جمله طرح های مذبور قرار می گرفت، رشد فضایی و کالبدی متفاوت از سایر بخش های کالبدی شهر را تجربه نماید.
- ۲ - و بر همین اساس اختصاص درآمد موقوفات برای نگاهداری و حفاظت فضاهای کالبدی شهری، باعث می گردید این گونه بناها در ادوار مختلف به صورت محافظه کارانه ای کارکردهای خود را حفظ کرده و به شدت از نوسازی و بازسازی بافت شهری ممانعت به عمل آورد. از این رو است که می باید نقش نهاد وقف در شکل دهنده به فضاهای شهری و تسریع یا ممانعت از بروز تغییرات در شکل شهرها را مدنظر قرار داد.
- ۳ - در روند شکل یابی و رشد فضاهای شهری همچنین باید نقش و کارکرد فضاهای آرامگاهی و آیینی و مشاهد مختلف، چون مزارهای اولیا و رهبران سرشناس دینی را مورد توجه قرار داد. وجود مجموعه زیارت گاهی در یک شهر موجب جذب و اقامت معتقدان، تردد سیاحان و مسافران می گردید که در نتیجه آن جمعیت شهر افزون شده، کسب و کار رونق می یافت. برخی از ارادتمندان و معتقدان شخصیت های مذبور بر آن می شدند به منظور افزایش رونق و شکوه و اعتبار آن گونه فضاهای معنوی، تأسیسات شهری - فرهنگی عام المنفعه ای را در پیرامون آن مجموعه ها احداث نمایند. جریان احداث مقابر بزرگان طریقت و رهبران دینی به سرعت به یک «مجموعه شهری» تبدیل می شد؛ چرا که برای تأمین نیازهای مسافران و زیارت کنندگان و نیز کسانی که در مجاورت این قبور و مشاهد اقامت می گزیدند، تأسیساتی موردنیاز بود که هزینه های ساخت و نگهداری و رائه خدمات آن نیز از طریق موقوفات مشاهد تأمین می شد (سلطانزاده ۱۳۷۷: ۴۴) - (۴۵).

در نتیجه این فرایند، مجموعه کالبدی جدیدی در یک نقطه از شهر ظاهر می گردید که به سهم خود در تغییر کالبد شهری و کارکردهای آن منطقه از شهر نقش ایفا می کرد. شهر مشهد (خبرآبادی ۱۳۶۷: ۹۶، ۹۷ - ۹۹) تربت جام (عزنوی ۱۳۴۰: ۱۱)، قم و نظایر این ها نمونه بارزی از ظهور چنین تغییراتی در شکل شهرهای ایران به شمار می روند.

همچنین است تأثیری که بنیادگذاری یک خانقه که توأم با اقامت و فعالیت صوفیان در آن بود، تأثیری مشابه در روند گسترش و تغییرات شکلی شهرها در پی داشت. در این زمینه ذکر تجربه‌ای در مورد شهر بغداد بسیار گویاست. پس از مرگ ابوسعید ابوالخیر شماری از شاگردان بر جسته وی مأمور شدن دعوت وی را در مناطق مختلف گسترش دهنده. ابوسعد داده، یکی از شاگردان وی، به شهر بغداد رفته و به نقل از خود وی «... چون به بغداد رسیدم و آن وقت آبادانی بدان سوی آب بود، من در مسجدی نزول کردم...». وی برای انجام مأموریت خود تصمیم گرفت که «... می‌باید که اینجا بقیه سازم از جهت صوفیان و ایشان را خدمت کنم.» وی از خلیفه دستور خواست و اجابت شد و پس از مدتی که از ساخت خانقه وی گذشت، تأسیساتی بنا گردید. سپس «... مردمان به یکبار روی به من نهادند و حاجات بر من رفع می‌کردند... و بیشتر از مردمان به جوار من رغبت کردند و در پهلوی خانقه من سرای‌ها می‌ساختند، چنان که آن موضع انبوه گشت...». وی در ادامه می‌افزاید پس از مدتی شهر به یکباره به این سوی آب آمد و آن سوی خراب شد (میهنی: ۱۳۶۱: ۳۶۲ - ۳۶۸).

۴ - تحول در شکل یک شهر در سده‌های میانه، گاه در نتیجه تغییرات کارکردهای شهری یا افزایش کارکردهای جدید بر کارکردهای قبلی شهر به وجود می‌آمد. هر شهر به صورت معمول بنا به سطوح رشد یافتنگی اجتماعی خود از یک موقعیت اجتماعی - اقتصادی برخوردار بود که کارکردهای آن شهر نیز در انطباق با این شرایط متحقق می‌گردید. اما گاه در اثر تحولات سیاسی یا تغییرات فرهنگی و اجتماعی شرایط جدیدی در شهر به وجود آمده، گسترش مناسبات شهری، شکوفایی بیشتر اقتصاد تجاری و کالایی را به دنبال داشت. به این ترتیب، کارکردهای تازه‌ای بر کارکردهای قبلی شهر افزوده می‌شد. برای مثال در هنگام تجزیه قدرت سیاسی و برآمدن حکومت‌های محلی، برخی از شهرها موقعیت تازه‌ای به عنوان مرکزیت سیاسی پیدا می‌کردند که در نتیجه آن شهر مزبور کارکردهای جدیدی پیدا می‌کرد. انتقال و کاربست فناوری جدید که در روند تولید برخی کالاهای تحولاتی ایجاد می‌کرد نیز تغییرات گستره اجتماعی و اقتصادی در شهر به دنبال داشت. در این وضعیت شهر در شرایط متفاوت‌تری نسبت به گذشته خود قرار گرفته و کارکردهای جدیدی را به خود می‌پذیرفت، امری که مستلزم گسترش فضاهای کالبدی جدید در شهر بود (دوروث ۱۳۷۴: ۵۱۵؛ شکوهی ۱۳۷۴: ۲۶۲).

۵ - روال دیگر گسترش شکل شهر براساس الگوی رشد فضای شهری در پیرامون هسته‌ای مرکزی مانند یک قلعه یا دژ ظاهر می‌گردید. در واقع چون بسیاری از شهرهای باستانی ایران طبق این الگو متحول شده بودند، ریخت شهر اغلب به صورت مدور و برگرد نقطه‌ای کانونی (دژ یا قلعه) ملاحظه می‌شد و استخوان‌بندی اصلی و مسیر بعدی رشد فضای شهری در جهت مسیر راه‌هایی که از قلعه به بیرون امتداد می‌یافتد، مشخص می‌شد. به گونه‌ای که بیشترین حجم فضاهای شهری (چون بناه، مساکن، اماکن کسب و کار و نیز تأسیسات عمومی) در امتداد خیابان‌های اصلی تا محل دروازه‌های شهر استقرار می‌یافتد (پوپ: ۱۷۶ - ۱۷۵؛ بررسی روند تکوین شهر نیشابور براساس الگوی مورد بحث، در حاکم نیشابوری ۱۳۷۷ - ۱۹۷ - ۱۹۹؛ نیز، ذکاء: ۲۰۹؛ اعتماد ۱۲: ۱۳۶۳ - ۱۲ - ۱۱۹).

البته در سده‌های میانه این الگوی گسترش شهر بیشتر در نقاطی به چشم می‌خورد که در آن شهرها از سطح رشد اجتماعی و اقتصادی کمتری برخوردار بوده، یا به دلیل آن که آن شهرها از موقعیت مرزی برخوردار بودند، کارکردهای نظامی آن‌ها بر سایر کارکردهای شهری آن شهرها غلبه داشت.

۶ - گاه شکل گسترش و تحولات کالبدی شهرها تحت تأثیر مناسبات تجارت فرامنطقه‌ای قرار داشت: راه‌های تجاری و کاروان‌رو، که از طریق آن‌ها مبادلات و نقل و انتقالات کالاها و مال التجاره‌ها صورت می‌پذیرفت، در مسیر یکی از خیابان‌های دوگانه (اصلی) شهر امتداد می‌یافت و این امر باعث می‌گردید تأسیسات، اماکن و بنگاه‌های اقتصادی و مشاغل خدماتی وابسته و مرتبط با این فعالیت‌ها در امتداد آن راه‌ها برقاً گردد. شکل صلیبی بسیاری از بازارهای شهرهای ایران براساس چنین روندی ظاهر شده بود.

به‌طور کلی به دلیل آن که شهر کانون عملیات مختلف تجاری و مبادله‌ای تجارت کاروانی با بازار منطقه شهری و سایر بازارهای محلی بود، با بروز تغییرات اساسی در حوزه‌های اقتصادی واقع در سرزمین ایران یا سرزمین‌های مجاور تأثیرگذاری مناسبات تجارتی فرامنطقه‌ای در به وجود آوردن تغییرات شکلی در شهرها نوسان می‌یافتد. هنگامی که مناسبات اقتصادی در یکی از حوزه‌های اقتصادی رشد پیدا می‌کرد افزایش مبادلات اقتصادی بین آن حوزه و سایر حوزه‌ها سبب می‌گردید فضاهای شهری در امتداد خطوط ارتباطی که آن حوزه را به سایر حوزه‌های اقتصادی وصل می‌کرد، گسترش پیدا نمایند. برای مثال هنگامی که راه تجارتی خراسان به بندر هرمز در نتیجه تغییر و تحولات سیاسی و اقتصادی مهم قرون

شش و هفت هجری اهمیت بسیاری پیدا کرد، در شهری چون کرمان که در مسیر راه تجاری مزبور قرار داشت، رشد تراکم جمعیت، فعالیت اقتصادی و گسترش فضاهای مرتبط، در سمت محلات غربی شهر شتاب گرفت و موازی با آن روند برپایی شکل آغازین بازار قدیم کرمان در کنار محله «عادل شاه»، که در امتداد این راه واقع بود، نیز در جریان بود (پوراحمد ۱۳۷۴: جلد دوم: ۵۲ - ۸۱؛ درباره شهری، کریمان ۱۳۴۵ جلد اول: ۱۹۷؛ درباره لار، ضیاءتوان ۱۳۸۰: ۲۱ - ۲۲).

نوع راهها در توسعه یا پیدایش شهرها تأثیرگذار بودند (خیرآبادی: ۶۰ به بعد؛ و بازارها در دو طرف خیابان‌های اصلی در شهرهای اسلامی آرایش می‌یافتدند، عبدالستار عثمان ۱۳۷۶: ۳۱۲ - ۳۱۳).

۷ - **الگوی عمران «حومه»** شهر و استقرار فضاهای شهری در باغ‌ها و مزارع مفرح واقع در پیامون شهر نیز از جمله روش‌هایی بود که در روند ایجاد تغییر در شکل و کالبد برخی شهرها تأثیرگزار بود. احداث باغ‌ها و تفرجگاه‌های اعیان و اشراف در حومه شهر که توأم با بنیادگذاری برخی تأسیسات شهری در آن منطقه بود، شکل گسترش فضا و کالبد شهری را تحت تأثیر خود قرار می‌داد (در مورد شهر بخاراء، نوشی ۱۳۶۳: ۴۱ - ۴۰؛ شهر یزد، کاتب‌یزدی ۱۳۱۷: ۸۰؛ در: قندیه و سمریه (دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند)؛ ۱۳۶۷: ۱۴۴).

یک نمونه از انجام چنین اقداماتی و نتایج آن در دوره سلجوقیان، حکایت زیر است: «سلطان محمد بن محمود سلجوقی بر در شهر همدان کوشکی بنا کرد و امراء وی آلات کوشک‌های قدیم به این موضع نقل کردند و لشکرگاهی ساختند و کوشک‌های بسیار بنا نهادند» (راوندی ۱۳۶۴: ۲۶۵).

گونه دیگر این روال به صورت توجه ناگهانی جمعیت و ساخت و ساز اماکن مسکونی در یک منطقه از حومه شهری دیده می‌شد که در نتیجه آن استقرارگاه جدیدی در مجاورت شهر اصلی برپا شده و به تدریج به کالبد اصلی شهر پیوسته می‌شد (پوب: ۱۷۳ - ۱۷۵).

گاه روال دیگر گسترش شکلی و کالبدی شهر در پی بنیادگذاری دیه‌هایی در زمین‌های حاصل‌خیز واقع در منطقه شهری متحقق می‌شد. در جریان رشد آن برخی از روستاهای مجاور شهر که توأم با توسعه کالبدی شهر از سوی دیگر بود، به تدریج واحدهای روستایی در کالبد شهر - به عنوان یک محله - ادغام می‌شد. برای مثال، در گزارش حاکم نیشابوری از

شهر نیشابور، بخشی اختصاص به ذکر «قری و قنواتی که بر حوالی شهر و قهندز بوده و به دلیل افزایش عمارت‌ها در شهر و سور، داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت» دارد. (حاکم‌نیشابوری ۱۳۷۷: ۱۹۹). وی در جای دیگری می‌آورد که «... این مجموع قنوات و قری بود بر جوانب شهر، به کثیر عمارت‌های محلات و کوچه‌ها شهر شد و باغات و بساتین و مقابر آن در محلات داخل گشت...» (همان: ۲۰۰). در شهر یزد باعی را که احمد بن محمد زمجمی در اوایل دوره عباسیان در اطراف شهر احداث کرده بود، در قرون بعدی «حال آن باعی به محله و خانه تبدیل شده، در داخل شهر» (کاتب یزدی ۱۳۱۷: ۵۸ - ۶۰؛ مقایسه با روای توسعه شهر دمشق در حومه آن، زیاده ۱۳۶۶: ۸۳ - ۹۷).

در برخی مواقع نیز بنا به ضرورت‌هایی که در اثر مشکلات بوجود آمده در روال زندگی شهرها بروز می‌کرد، اجرای برنامه‌های عمرانی و گسترش فضاهای ضروری برای رشد فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی در خارج از محیط شهری در دستور کار حکام قرار می‌گرفت. نمونه‌ای از چنین مشکلاتی در ادوار بعد و در دوره شاه عباس اول، در شهر اصفهان رخداد و به مسئله حق مالکیت اراضی در قسمت قدیمی شهر و به ویژه مسئله موقوفات مرتبط می‌شد (مومنی ۱۳۷۷: ۱۷۶).

نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر، با عنایت به روش مطالعه ریخت شهر، تحلیل کالبد شهری و فهم مناسبات اجتماعی مسلط در شهر، که در نهایت روندهای ریخت‌زایی شهری را به سامان می‌آورد، موضوع علل بروز تغییرات در الگوی کالبدی و شکلی شهرهای ایرانی مورد بررسی قرار گرفت و دو دسته عامل در این تغییرات مورد توجه قرار گرفت: عوامل بیرونی مؤثر در ایجاد تغییر در شکل شهر (مانند حکومت، اراده نخبگان سیاسی - اداری شهری و...) و عوامل درونی شهر (مانند رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی شهری). نتایج مباحث چنین مشخص می‌نمایند که نمی‌توان تغییرات شکل شهری را تنها متأثر از تغییرات مناسبات درونی جامعه شهری دانست.

نتایج این بحث نشان می‌دهد کاربست روش ریخت‌شناسی شهری برای تحلیل مناسبات درونی جامعه شهری در ادوار قرون میانه تاریخ ایران باید جانب احتیاط را در نظر داشت و نقش عوامل بیرونی در ایجاد تغییرات در کالبد و فضای شهری را که در مطالعات

ریخت‌شناسی شهری کمتر به آن توجه می‌شود مدنظر قرار داد. در واقع، بنا به صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی جامعه ایران در سده‌های میانه، حکومت به منزله نیروی متفوق در جامعه، نقشی به مراتب فراتر از سایر ساختارهای جامعه بر عهده داشت و براساس موقعیت فراساختاری که از آن برخوردار بود، در مناسبات اقتصادی و اجتماعی جامعه شهری و روستایی و حتی کوچرویی دخالت‌هایی می‌کرد که در تحلیل مناسبات شهری باید مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- ابن‌بلخی. ۱۳۷۴. فارسname. توضیح و تحریش منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن‌خلدون، ولی‌الدین عبدالرحمن بن محمد... بن عبدالرحمن. ۱۳۶۹. مقدمه و ترجمة محمد پروین گنابادی. جلد اول. چاپ هفتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. جلد دوم. ۱۳۶۹. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن‌رسته، احمد بن‌عمر. ۱۳۸۰. الاعلاق النفیسه. ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- ابن‌فقیه، ابوبکر احمد بن‌محمد بن‌احمد بن‌حیدر همدانی. ۱۳۴۹. ترجمة مختصرالبلدان. ترجمة ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابو‌عبدالله محمد بن‌عبدالله بن‌حمدویه حاکم نیشابوری. ۱۳۵۷. تاریخ نیشابور. ترجمه محمد بن‌حسین خلیفه نیشابوری، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.
- احسن، محمد‌مناظر. ۱۳۶۹. زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشپولر، بارتولد. ۱۳۶۸. تاریخ مغول. ترجمه محمود میرآفتاب. چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد. ۱۳۵۳. "ویزگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران"، نامه علوم اجتماعی، مجله دانشکده علوم اجتماعی و تعاون. تهران: دانشگاه تهران. دوره اول، شماره ۴: ۷ - ۴۹.
- اعتضادی، لادن. ۱۳۷۴. "نیشابور (ابرشهر)، سیر تحول و اصول ساخت و سازمان شهری"، صفحه. شماره ۱۹ - ۲۰: ۲۱ - ۳۵.

- اعتماد، گیتی و حسامیان، خسرو. ۱۳۶۳. شهرنشینی در ایران. تهران: آگاه.
- افسر، کرامات‌الله. ۱۳۴۷. تاریخ بافت قدیمی شیراز. چاپ دوم. تهران: نشر قطربه - انجمن آثار و مفاسد فرهنگی.
- فضل الدین کرمانی، ابوحامد بن حامد. ۱۳۷۳. سلجوقیان و غز در کرمان. تحریر میزرا محمدابراهیم خبیصی. مقدمه و تصحیح و تحسیمه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: کورش.
- امین، حسین. ۱۳۸۵. تاریخ العراق فی العصر السلجوقی. بغداد: مطبعة الارشاد.
- اهلرز، اکارت. ۱۳۷۳. "شهر شرق اسلامی - مدل و واقعیت"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. تحریر جدید از محمدحسن ضیاء‌توانا و مصطفی مؤمنی. شماره یک: ۲۷ - ۵.
- اهلرس، اکارت. ۱۳۸۰. ایران (شهر، روستا، عشایر). ترجمه عباس سعیدی. تهران: نشر منشی.
- بارتولد، و. ۱۳۶۶. ترکستان‌نامه (ترکستان در عهد هجوم مغول). دو جلد. ترجمه کریم کشاورز. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. ۱۳۶۶. "کرمان" شهرهای ایران. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: سازمان انتشارات وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی. جلد دوم. ۱۹۵ - ۲۰۶.
- بنداری اصفهانی. ۱۳۵۶. تاریخ سلسله سلجوقی. ترجمه محمدحسین خلیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بولت، ریچارد. "باشناسی و جمعیت‌شناسی نیشابور قرون وسطایی"، آینده. ترجمه علی انوری. شماره ۸: ۵۱۲ - ۵۱۲.
- بیانی (ندوشن)، شیرین. ۱۳۷۷. تیسفون و بغداد در گذر تاریخ. تهران: جامی.
- بیرشک، ثریا. ۱۳۸۳. "چگونگی روند توسعه و تکامل شکل گیری شهر کاشان در بستر تاریخ"، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی در ایران. جلد سوم. ۳۸۳ - ۳۴۰.
- بوب، آرتور. "نقشه شهرها"، مجله آستان قدس. ترجمه محمدعلی صبوری. شماره ۱۹۹: ۴ - ۱۶۰.
- پوراحمد، احمد. ۱۳۷۴. "ساخت و ساز فضایی سنتی شهر کرمان"، مجموعه مقالات دومین سمینار و دهه کرمان‌شناسی. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی. جلد دوم. ۵۱ - ۷۲.
- جانب‌اللهی فیروزآبادی، محمدمسیعید. ۱۳۷۴. "نقش قنات و شبکه زمین‌های زراعتی در معماری سنتی شهرهای حاشیه کویر (نمونه میبد)", مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد اول. ۳۷۵ - ۳۸۳.

- جاویدان، محمدعلی. ۱۳۷۸. "کرخ، مرکز تشعیع در بغداد،" وقف، میراث جاویدان، شماره ۱ و ۲: ۱۲۲ - ۱۳۱.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. ۱۳۶۸. اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد: شرکت به نشر.
- حافظ ابرو. ۱۳۴۹. جغرافیای حافظ ابرو، قسمت ربع خراسان، هرات. به کوشش نجیب مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حیبی، حسن. ۱۳۷۸. از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثیر). چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی یزدی، محمد. ۱۳۲۶. العراضه فی الحکایه السلجوقیه. به کوشش کارل زوسهایم. قاهره.
- حمدالله مستوفی قزوینی. ۱۳۶۲. تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوابی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- _____ ۱۳۷۸. نزهه القلوب. به تصحیح و تحسیله محمددبیر سیاقی. تهران: نشر طه.
- خواجه سمرقندی، ابوطالب. ۱۳۶۷. سمریه، (رساله در جغرافیای سمرقند). به کوشش ایرج افشار. تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی. ۱۳۷۲. مأثر الملوك. به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی، به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: رسا.
- خیرآبادی، مسعود. ۱۳۷۶. شهرهای ایران، مترجان حسین حاتمی نژاد و عزت الله مافی، مشهد: نیکا.
- داد، موریس. ۱۳۷۹. مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری. ترجمه حبیب‌الله تیموری. تهران: نشر نی.
- درؤئ، ماکس. ۱۳۷۴. جغرافیای انسانی. ترجمه سیروس سهامی. تهران: رایزن.
- دهستانی، حسین بن اسعد. ۱۳۵۵. ترجمة فرج بعد از شدت. جلد اول. مقابله و تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۶۰. جلد دوم. ۱۳۶۳. جلد سوم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ذکاء، یحیی. ۱۳۷۴. "مفهوم دز و ارگ یا هسته مرکزی ایجاد شهرها در ایران"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۵ جلد. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی. ۲۰۹ - ۲۲۴.
- _____ ۱۳۶۶. "تبیز"، شهرهای ایران. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. جلد سوم. ۱۵۱ - ۲۰۲.

- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان. ۱۳۶۴. راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق. به سعی محمد اقبال. به انضمام حواشی و فهارس مجتبی مینوی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- زیاده، نیکلا. ۱۳۶۶. دمشق در عصر ممالیک. ترجمه امیر جلال الدین اعلم. چاپ دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سدیدالدین غزنوی، خواجه محمد. ۱۳۴۵. مقامات ژنده پیل (احمد جام). با مقدمه توضیحات و فهارس حشمت‌الله مؤید سندجی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سلطانزاده، حسین. ۱۳۷۰. "واحدهای محله‌ای مسکونی در شهرهای ایران"، شهرهای ایران. به کوشش محمد یوسف کیانی. جلد سوم. ۳۵۰ - ۴۱۹.
- _____ ۱۳۶۶. "نائین"، شهرهای ایران. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان انتشارات ارشاد و فرهنگ اسلامی. جلد دوم. ۲۳۲ - ۲۷۵.
- _____ ۱۳۶۷. مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- _____ ۱۳۷۲. "تأثیر اسلام در ساخت شهر"، مجله معماری و شهرسازی. شماره ۲۵ - ۲۶. ۴۴ - ۵۱.
- _____ ۱۳۷۷. معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- _____ ۱۳۸۰. بازارهای ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شکویی، حسین. ۱۳۷۴. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. دو جلد. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شیخلی، صباح‌ابراهیم سعید. ۱۳۶۲. اصناف در عصر عباسی. ترجمه هادی عالم‌زاده. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ضیاء‌توان، محمدحسین. ۱۳۷۰. " محله، بافت و ساختار آن در شهرهای شرق اسلامی" ، مجله علوم‌زمین، نشریه دانشکده علوم‌زمین. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. دوره جدید. شماره ۱: ۱۷۳ - ۱۹۹.
- ضیاء‌توان، محمدحسین. ۱۳۸۰. بازار قیصریه لار. تهران: نشر نی.
- ظهیری نیشابوری، خواجه امام. ۱۳۳۲. سلجوقنامه به همراه ذیل سلجوقنامه. تألیف ابوحامد محمدبن ابراهیم، به اهتمام میرزا اسماعیل خان حمیدالملک افشار. تهران: کلاله‌خاور.
- عبدالستار عثمان، محمد. ۱۳۷۶. مدینه اسلامی. ترجمه علی چراغی. تهران: امیرکبیر.

- غزنوی، خواجه سیدالدین محمد. ۱۳۴۰. مقامات زنده پیل. به تصحیح، مقدمه و توضیحات حشمت‌الله مؤید سنتجی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- غفوروف، باباجان. ۱۳۳۷. تاجیکان؛ تاریخ قدیم، قرون وسطی و دوره نوین. جلد یک و دو. تاجیکستان: انتشارات عرفان.
- فخر مدبر، محمدبن منصور مبارکشاه. ۱۳۴۶. آداب الحرب و الشجاعه. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: اقبال.
- فرای، ریچارد نلسون. ۱۳۴۸. بخارا، دستاورد قرون وسطی. ترجمه محمود محمودی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فهد، بدیع محمد. ۱۳۸۷. العامہ ببغداد فی القرن الخامس الهجری. بغداد: مطبعه الارشاد.
- قزوینی، زکریا بن محمدبن محمود. ۱۳۷۳. آثار البلاط و اخبار العباد. ترجمه با اضافات چهانگیر میرزا قاجار. تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- کاتب یزدی، احمدبن حسین بن علی. ۱۳۱۷. تاریخ جدید یزد. یزد: گلبهار.
- کریمان، حسین. ۱۳۴۵. ری باستان. جلد اول. تهران: انجمن آثار ملی. جلد دوم. ۱۳۷۱. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. بخش اول و دوم. چاپ دوم.
- کیانی، محمديوسف. ۱۳۷۴. تاریخ هنر معماری ایرانی در دوره اسلامی. تهران: سمت.
- گوابر، اولگ - هیل. ۱۳۷۵. درک: معماری و تزئینات اسلامی. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاپیدوس، ایرام. ۱۳۷۶. تاریخ جوامع اسلامی. جلد اول. از آغاز قرن هجدهم. جلد دوم، قرون نوزدهم و بیستم. ترجمه محمود رمضانزاده. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- لسترنج، گای. ۱۳۶۷. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجابی، مهدی. ۱۳۷۸. "نظريه توسعه تاریخی شهر قزوین، (بخش دوم)"، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، سه جلد. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. جلد دوم، ۴۶۱ - ۵۱۴.
- محمد بن منور بن ابی سعد بن ابی طاهر بن ابی سعید میهنی. ۱۳۶۱. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید. چاپ پنجم. به اهتمام ذیبح‌الله صفا. تهران: امیرکبیر.

- معیری، هایده. ۱۳۷۱. "مرو کهن"، مجله تحقیقات تاریخی. شماره ۶ - ۷ - ۷۰ : ۷ - ۶.
- قدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد. ۱۳۶۱. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمة علی نقی منزوی. دو جلد. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- موسی، احمد. ۱۳۷۶. "دز شهرهای گرد ایرانی در عصر اوستا"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ۵ جلد. به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی. جلد اول. ۴۸۱ - ۴۸۷.
- مؤمنی، مصطفی. ۱۳۷۷. پایگاه علم جغرافیا در ایران؛ (پایگاه جغرافیای شهری در ایران). جلد اول. تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- میرجعفری، حسین. ۱۳۶۱. منازعات نعمتی و حیدری در ایران، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره دوم. شماره ۱: ۱۱۷ - ۱۵۵.
- میشل، جورج (وبراستار). ۱۳۷۴. پایتخت‌های ایران. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
-
- _____ ۱۳۸۰. معماری جهان اسلام - تاریخ و مفهوم اجتماعی آن. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- نرخسی، ابوبکر محمدبن جعفر. ۱۳۶۳. تاریخ بخارا. ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر القباوی. تلخیص محمدبن زفر بن عمر. تصحیح و تحشیه محمدتقی مدرس رضوی. چاپ دوم. تهران: توسع.
- وهابزاده، عبدالرحمان. ۱۳۷۴. "تاریخچه برج و باروی شهر تبریز"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد سوم. ۷۱ - ۸۸.
- یاقوت حموی، شهاب الدین ابن عبدالله. ۱۳۴۷. برگزیده مشترک یاقوت حموی. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: ابن سینا.
-
- _____ ۱۳۸۰. معجم البلدان. ترجمه علی نقی منزوی. جلد اول. بخش نخست. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- يعقوبی، ابوالعباس احمدبن یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عباسی. ۱۳۴۶. ترجمه مختصر البلدان. ترجمة ح. مسعود. تهران: شرکت ترجمه و نشر کتاب.
-
- _____ ۱۳۶۷. قندیه و سمریه (دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند). به کوشش ایرج افشار. تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگردی.

یوسفی فر، شهرام. ۱۳۸۴. "تأملی در مقوله شکل شهر در سده‌های میانه تاریخ ایران"، فرهنگ، ویژه تاریخ، شماره چهارم: ۲۱۷ - ۲۶۱.

Binanquis, T.H. and P. Guichard and A. Raymond and Sarab Atassi and others. "SUK", *Encyclopedia of Islam*. Vol. 6, pp: 780 - 801.

Northedge, Sur. 1997. *Encyclopedia of Islam*. Vol. 9. brill. Liden, pp: 881-883.

Shahbazi, Shapur and Bosworth, Edmund. C: Capital Cities, " Islamic Times", *Encyclopedia of Iran*. vol. IV, pp: 771- 774.